نوید

(وابسته به حزب تودهٔ ایران) سال سوم، شماره ۲۰، شنبه ۲ شهریورماه ۱۳۵۷

اعلام جرم مردم ایران علیه رژیم جنایتکار شاه

گزارش ویژه درباره جامعه انسان در هفتهٔ آبادان، همان طور که انتظار می‌رفت، نه تنها نکات ابهام این جنایت هفتادساله رژیم را روشن نکرد، نه تنها خانواده‌های داغدار این فاجعهٔ هولناک ملی را مجروح نمود، نه تنها جراحت وجدان عمومی مسئولان انتظامی و دیپلماتی را در قبال حریق عمدی روشن ساخت، بلکه گره‌ها و ابهامات و نقص‌های جدیدی را بر سؤال‌های بی‌جواب مانده قبلی افزود. این گزارش در واقع باستعانی کرد روانشناسی‌هایی است که رژیم و کارگزاران او را رسوا و محکوم می‌کند. به عبارت دیگر این گزارش مسئولانی و قیلیغانی جز تکرارهای کرخت و بدون پیش‌بینی‌های که قبلاً در روزنامه‌های زیر سانسور دولتی و وسایل ارتباط جمعی مسئولان زده انتظام شده بود، هیچ دیگر نداشت.

خبرنگاران نیمه در آبادان طی چند روز گذشته با تحقیق از دهها شاهد عینی، جامعه سینمارکس، مأموران و حوادث مردم، مأموران گزارش‌های رسمی و نیمه رسمی که در جرایم متعکس شده، دلایل انگلیزایی بر مداخلهٔ مستقیم رژیم را در توطئه قتل عام آبادان، جمع‌آوری و تنظیم کرده‌اند. این دلایل در واقع اعلام جرم مردم ایران علیه حکومت مستبد و آدمکشی است که شاهی میثاق‌های بین‌المللی و حقوق بشری و اصول و قراردادهای انسانی را زیر پا گذاشته و نفس حقارت حقوق‌های ایران را به طور عریان و با گستاخی و قاتلانه به مهمه گرفته است.

اعلام جرم مردم ایران علیه این رژیم جامعه و جنایتکار، در ده‌ها سؤال بی‌جواب که این روزها در هر خانه و محفل و اجتماعی بر زبان می‌آید، مدام تکرار می‌شود. این حد این است که وجدان بشری را معذب می‌کند و مراجع مسئول جهانی، عناصر و سازمان‌های واقعی مدافع حقوق بشر، آزادیخواهان جهان و دوستان راستین جنایات فرایندهٔ ای که در ایران می‌گذرد، متعهد می‌سازد. اندامسامهٔ مردم که زخم جدید رژیم شاه قلب آنها را جریحه‌دار کرده، در قالب مواد زیر عرضه می‌شود:

۱- در خیابانی که سینما رکس فیلم "گوزن‌ها" را نمایش می‌داد که بانیان کتابه و تحقیق به مبارزات افشاری از مردم و محکوم کردن رژیم شد، مردمی شاه پیدا نشد. چه دلیلی دارد که جز عاملان رژیم تمامی کران و بلافاصله آن چنین عملی را که بی‌شک اکثر آن عاملان کشاورزی به محتوای فیلم در ملک مخالفان رژیم استبدادی قرار می‌گرفتند، انجام کند؟

۲- چرا در موقع حریق عمدی سینما [illegible] نه مدیر سینما و نه نظامیانی، نه کنترل‌چی، نه مأمور [illegible] تماشاگران در سالن فیلم و نه هیچ یک دیگر از مسئولان سینما حضور نداشتند؟ جز این است که یک توطئه و سوء قبلی که جز بلندپایه رسمی شهربانی و ساواک نمی‌تواند صاحب اجرای داشته باشد. این مسئولان را در لحظه انجام جنایت از محل سینما دور کرده‌اند؟

دنباله در صفحه ۳

لشگرکشی شاه علیه مردم

موضع رژیم، پس از جنایت آبادان

ناحیهٔ آبادان، منطقه اوج بحران علاج ناپذیری است که چون گرد آب رژیم و شکست و رسوای شاه - ساواک را در خود می‌کشد. شاه با اجرای توطئه تبه کارانه ای که به بهای جان بیش از ۴۰ انسان بی‌گناه و دادن ارقام هزاران مجروح و سرگردان شدن خلق سنت به تسلیم نماید بر شام شد، نشان داد که بیاعتبرین ایستگاه نزد پشتیبانی جهان و حقوق و حقوقی در چارچوب که حکومت بر ادبار خود را جز با قتل عام خلق مردم و در سینه‌های صنایع‌سازی و رسانه‌ها و حرکت‌های دیوانه وار و حقارتی که تنها از یک دیکتاتور مخل ساخته است، غیرممکن می‌داند. شاه با طراحی توطئه موجی سینمارکس آبادان هدف‌های چندگانه ای را در حد مطرح داشت:

۱- مطیع کردن مخالفان استبداد و رزمندگان راه آزادی و وحدت ملت و استقلال به تروریسم و حرامیکاری و بهره‌کشی کردن سیمای آن هادر اذهان مردم و جهانیان و از این رهگذر به وحشت انداختن افشارگر آگاه تر مردم به سطح خلق‌گرایی و پیوستن آن جامعه موجه مبارزه فعال.

۲- زمینه چینی عملیاتی جهت جامعه ای برای سرکوب خشونت‌آمیز و وسیع مخالف. و مبارزان و قلع و قمع گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی که در حال گسترش و رشد بودند.

۳- توجیه دیکتاتوری خونین و اسارتبار که بر زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها و جوخه‌های اعدام متکی است.

۴- منحرف کردن نظر و افکار از قتل‌عام‌ها و کشتارهای تبه کارانه در شهرها و حتی روستاهای کشور که تنها در چند ماه اخیر هزاران شهید ملی بر جای نهاده - و پرده کشیدن به روی حکومت نظامی خونین و جنایت‌های که در اصفهان و چند شهر دیگر برقرار شده است.

در زخم تا بعد از دو روز پس از ارتکاب جنایت آبادان بیشگیرانه در پرده و حدت بزرگی که قرار بود بر مردم نازل شود، شدند از ادامه بود. هیچ کس مرادو در آن لحظه نمی‌دانست در پناهگرفتن شاه چه رشته فیزیکال بازی نهفته است. در متن این زمینه چینی ناشیانه شعله های آتش‌بیت در رژیم سینمارکس رامبیش از ۴۰ قربانی در کام کشید و به زغال وجود ای گرفته نهیده و کباب شده مبدل کرد. وحشت خبر فاجعه به گوش مانرسیده و ضمنی گام های تحقیق بی جنبش برداشته نشده بود که رژیم با وسعت تمام دستگاه هاو رسمی و نیمه رسمی عملیاتی‌اش مخالفان را به باد دشنام گرفت و مسئول صاحبان خلقان در شده "خود معرفی کرد. رئیس شهربانی آبادان که خود

دنباله در صفحه ۲

مردم ایران سفر توطئه‌گرانهٔ رهبر مائوئیست چین را به ایران محکوم میکنند

هوا گوفنگ رهبر مائوئیست‌های پکن، در شرایطی برای اطلاعات و اعلام پشتیبانی مجدد از شاه، آدمکش به ایران می‌آید که ایران در سرسرای آتشین خون شهیدان آزادیخواه و جهان پرست می‌سوزد و رژیم استبدادی سلطنتی در زیر ضربات کوبندهٔ مشترک خلق‌های قهرمان ایران آخرین مراحل حیات ننگین و سراسر جنایت و خیانت خود را می‌گذراند.

هوا گوفنگ، این رهبر مرتجع و مخالف جنبش انقلابی جهان، در شرایطی برای دیدار و تشدید دست‌های خون‌آلود جلاد تاجدار ایران می‌آید که بود اعتصاب و قتل‌عام شده قهرمانان بی‌گناه آتش سوزی رژیم دیکتاتور شاه هنوز در مجلس تب‌آلود و خشم آگین ایران به مشام می‌رسد.

اینک پشتیبانی رهبر مائوئیست چین از رژیم ضد خلقی شاه پدیدهٔ تازه ای نیست. از همان آغاز که رژیم ایران نقش ژاندارم منطقه را بر عهده گرفت، دیپلماسی خارجه وقت چین در سفر خود به ایران سیاست تعلیماتی و نظامیگری شاه را مورد تأکید قرار داد و آن را نشانهٔ یک سیاست مستقل خواند. رهبری مائوئیست چین از آرزوی شاه را مبارزه علیه خلق‌های خاورمیانه و هم به خصوص با اتحاد شوروی تشویق کرد.

اینک مدتی است سیاست خارجی مائوئیستی چین وارد مرحله تازه ای شده است. در این مرحله کلیه مشخصات سنتی و ارتجاعی این سیاست به زیان خلق‌ها به زیان صلح، به زیان سوسیالیسم شدت می‌یابد ای یافته است. رهبری چین در آغاز حضور خود با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی مرتجعانه چه ضد دام گسترده سوء خاصه خود بادها می‌کرد که گویا با بلوک‌های "جهان سوم" و طرح در انقلاب‌های مسلحانه بر ضد دیگر امپریالیسم و سرمایه‌داری است و اتحاد شوروی را خطر بالقوه سازش با امپریالیسم آمریکا را گشت به راه سرمایه‌داری معرفی می‌ساخت. جدیدترین گام این سیاست مرتجعانه را از چهره برگرفته است. مبارزه‌های کشورهای سوسیالیستی به یک مشخصه به طلبی ضد سازش و نزد یکی چین و امریکا شد و اکنون سیاست خصومت در برابر وارثه اتحاد شوروی که یکی آن را "دشمن شمارهٔ یک" خود اعلام کرده، خصومت با همه روی سوسیالیستی و بنام قهرمان توطئه ارتجاعی علیه خلق آنگولا، بیشتر خصومت با رژیم حاکم بر موزامبیک و رفتن، حمایت از هجوم سومالی به منطقه مرزی و دوستانه و نزدیک با رژیم چین اعلام پیوند مبارزه با عناصر خصوصیت پیشه ای مانند اجو و الساداب و عنصر خیری و یک سلسله‌ای است که مشخصات دیگر مزایده شده است. در این مرحله رهبری مائوئیست چین سیاست خارجی خود را بر تئوری ضد انقلابی "سه جهان" مبتنی کرد و بلافاصله در صدد برآمد با ایجاد یک جبهه جهانی از پکن و تاشو و خود علیه کشورهای سوسیالیستی، جهان نقش‌سنگین را به عهده بگیرد که زمانی عینی برعهده گرفته بود. ویژه رهبری مائوئیست چین در اطلاعیه اخیر سازمان ملل متحد علیه خلع سلاح و تلاش او در بسته راه ادامه جنگ جهانی برای آن که از این طریق ابلیس به هدف خود یعنی سیطره بر عالم دست یابد، تمام حق مصادره قهرمانیسم طلبانه و سلاح گرایانه رهبران کنونی چین را نشان می‌دهد. در شرایط کنونی رهبری مائوئیست چین به یاری استعمارطلبان غنائمه پی خواهد وضع را به سود آنها چه زیان خلق‌های آسیا را در نظر "تشدید" کند.

برای مادر، برای تمام خلق‌های جهان مایه نهایت تأسف است که انقلاب بزرگ خلق چین به این شدت و حد تسلیح و منحرف شدن آرزو های روشن مردم جهان بسته به چین انقلابی با چنین فاصله‌ای از طرف مائوئیست دون و شاگرد احمق‌تر مائو گردیده است. این یک ماجرا هم اکنون در تاریخ مرد پیش‌رفته. سیاست خارجی کنونی رهبران

دنباله در صفحه ۲

کارگران ایران، در مبارزات صنفی و سیاسی پیشگام باشید!

کشتار دهها آزادیخواه در شهسوار

شهسوار مانند ده ها شهر کوچک و بزرگ ایران سوم خرداد امسال که به جرم آزادیخواهی صدها تن گلوله گازهای شاه قرار گرفته و شهید شده اند، یکپارچه سیاهپوش است.

گزارش هایی که از این شهر توسط خبرنگاران نوید می رسد، حکایت از خونریزی وحشیانه پلیس شاه در جریان تظاهرات آزادیخواهانه مردم این شهر در روز ۲۹ مرداد دارد.

نخستین خبر مربوط به این خونریزی رژیم در شماره ۳۸ نوید چاپ شد. این خبر در آخرین لحظاتی که نوید زیر چاپ می رفت در پیامی بسیار کوتاه به دست ما رسید و به همین دلیل نتوانستیم گزارش دقیق آن را چاپ کنیم. بنابر گزارش های بعدی که به دست ما رسید، مردم شهسوار در تظاهرات این شهر بین ۳۹ تا ۵۰ نفر است که تاکنون رژیم در باره این قتل عام وحشیانه به توطئه سکوت نشسته است. یکی از خبرنگاران نوید که خود در تظاهرات شرکت داشته در باره این خونریزی رژیم می نویسد:

بعد از ظهر سه شنبه ۲۴ مرداد ماه مردم برای نماز جماعت به مسجد امام زمان رفته بودند. پس از برگزاری نماز جماعت تعدادی پلیس در لباس شخصی همراه با مأموران ساواک وارد مسجد شدند و شروع به فحاشی کردند. بیشتر خطاب آن ها به مردم بود. درست در اولین لحظاتی که آنها فحاشی را شروع کردند پلیس نیز وارد مسجد شد و جمع زیادی از مردم و تعدادی روحانی را که خودشان برای جلوگیری از نزاع و احتمالاً بهم ریختن نظم دستگیر کردند و به طرف کلانتری محل حرکت دادند. در بین راه پلیس شروع به فحاشی کرد و حتی در چند مورد مردم را زیر مشت ولگد گرفت.

مقاومت مردم بی دفاع آن هم بعد از صحنه سازی که در مسجد ترتیب داده بودند و ضرب و شتم دستگیر شدگان در بین راه، کسانی را که شاهد این وحشیگری بودند برآشفته کرد. در عرض چند دقیقه مردمی که شاهد این رفتار بودند با سنگ و چوب به طرف گارد های شاه حمله بردند تا بلکه دستگیر شدگان بی گناه را آزاد کنند.

مأموران ژاندارمری که از قبل خود را آماده چنین برآشفتگی کرده بودند بلافاصله وارد عمل شدند. دخالت مأموران ژاندارمری و ساکنین تعدادی از مأموران شهربانی که با چماق و باتوم به جان دستگیر شدگان افتاده بودند باعث شد تا تمام کسانی که شاهد این صحنه بودند علیه رژیم تروریستی شاه دست به تظاهرات بزنند. فریاد "مرگ بر این حکومت فاشیستی" و "شاه ترا می کشیم" در شهسوار پیچید. آن چنان که صدها مسافر رویانیز که متوجه این تظاهرات شده بودند خود را به خیابانی که در آن تظاهرات برپا شده بود رساندند تا به مردم مبارز خشمگین بپیوندند.

مأموران ژاندارمری که از اوج ناگهانی تظاهرات، خشم مردم نسبت به رژیم سفاک شاه وپیوستن صدها مسافر تابستانی در یا به صف تظاهر کنندگان به وحشت مرگ افتاده بودند به سوی تظاهرکنندگان آتش گشودند. من به چشم خود مرده ها فرزند دلیر خلق را دیدم که شلیک گلوله ها فریاد مرگ بر شاه را در گلویشان خاموش می کرد.

تظاهرات پرخروش مردم خیلی سریع به تمام نقاط شهر سرایت کرد. در میان تظاهرکنندگان چند بار فریاد کسانی شنیده شد که می گفتند به طرف نوشهر حرکت کنیم تا حسابمان را با شاه خون ریز و خانواده ننگینش تسویه کنیم. مأموران شهربانی و ژاندارمری که این دستور را شنیده بودند با قساوت حیوانی به مرکز تظاهرات پرداختند و بی شرمانه رگبار مسلسل ها را به سوی مردم گرفتند.

نه شمردم ولی ده ها تظاهرکننده به خون تپیده روی زمین ناله می کردند. پس از مردی جانانه عشق یکی از ژاندارم ها را از چنگ مردم کشید تا انتقام مرد ... در خون خود را بگیرد. اما قبل از آن که موفق شود با شلیک گلوله یکی دیگر از جلادان شاه در بغل هم شهریانش بر زمین خورد.

تظاهرات حدود ۳ ساعت به طول انجامید و در تمام این مدت چند پلیس که لباس شخصی به تن داشتند با شکستن شیشه های چندین مغازه را شکستند.

طبق نخستین گزارش هایی که از زبان مأموران شهربانی ... اند گرفته شده تعداد تلفات این تظاهرات ۲۲ نفر است اما این رقم تا ۵۰ نفر نیز افزایش کرده اند که بیمارستان ها مملو خورده و گورستان شهر نقل کرده است.

از ۲۴ مرداد که تظاهرات پرشور مردم علیه رژیم شاه - ساواک اوج تازه ای گرفته تاکنون شهر تقریبا در اشغال نیروهای ژاندارمری و پلیس است. با کوچکترین حرکت به قول خودشان مظنون، مردم را دستگیر می کنند. محیط شهر آن چنان آکنده از رعب و وحشت است که مسافران دریا پس از گشتی کوتاه در شهر متوجه آن می شوند.

حدود صد نفر در جریان تظاهرات دستگیر شده اند که در شهر شایع است قصد دارند آن ها را روانه دادگاه های نظامی کنند.

99977

تظاهرات مردم آبادان علیه جنایت جدید شاه

روز پنجشنبه گذشته در جریان تظاهرات خشم آگین مردم آبادان علیه تازه ترین جنایت ننگین رژیم شاه عده زیادی مجروح و دستگیر شدند. پلیس و ارتش به سوی جمعیتی که شعارهای ضد رژیم می داد و شاه را مسئول مستقیم حریق عمدی سینما رکس معرفی می کرد آتش گشود و گروهی را به خاک و خون کشید. جو بازداشت ادامه دارد و شهر به طور خصوصی زیر کابوس حکومت نظامی است. از چند روز گذشته تظاهرات پیاپی مردم در ادامه آبادان که با شعارهای خشم "شاه باید بمیرد..." "شاه ترا می کشیم..." "جلاد ننگ باد..." در شهر آبادان به خروش آمده، با حمله ها ... و هجوم مأموران امنیتی پلیس و ارتش و پاسدارهای قلابی که به شهر جهنمی زده انزام شده اند روبرو است. مردم با مشت های گره کرده و چشم های اشک آلود در خیابان های شهر، در برابر سینما رکس که به شعله مرگ هزاران تن مبدل شد، در گورستانی که بیش از ۴۲۰ زن و مرد و کودک بی گناه را به کام خود کشید، سوگواری می کنند، مشت هایشان را گره کرده و شعار علیه شاه جنایتکار و ارتش و آدمکشان او در خیابان ها به راه می افتند. مردم چنان از جنایت فجیع رژیم به خشم آمده اند که هر لحظه امکان برخوردهای خونین وسیع وجود دارد.

مردم: ارتشیان آزادیخواه به صفوف ما بپیوندید!

در جریان به دنبال تهاجم خونین نیروهای مشترک پلیس و ارتش رژیم به صفوف تظاهر کنندگان آزادیخواه و گلوله باران وحشیانه مردم که منجر به شهادت ده ها تن از شریف ترین فرزندان آزادی و استقلال میهن گردید، مردم این شهر برای آگاه کردن سربازان و درجه داران از واقعیات تلاش دهنده کشور و خطر ... های مبارزاتشهرمانانه و جانبازانه مردم و نیز دعوت از آنها برای پیوستن به صفوف برادران و خواهران میهن پرست خود که علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه مبارزه می کنند دست به ابتکار جالبی زده اند و در لیوان های بستنی تراکت های کوچک انشا کرده خود را گذاشته و روی آن بستنی ریختند و این لیوان های بستنی را همراه با دیگر خوردنی ها با طرق ابتکاری و خلاقانه خود به درون پادگان جنگ عرم گسیل فرستاده و در معرض فروش گذاشتند. به زودی خبر پخش تراکت ها در داخل جنگ پیچید و با استقبال پرشور ارتشیان آزادیخواه و میهن پرست روبرو شد. گفته می شود به دنبال این اقدام ابتکارانه فرمانده جنگ به شیراز احضار شد و هنوز بازنگشته است.

موضع رژیم، پس از جنایت آبادان

عامل اصلی اجرای توطئه جهنمی در پیدایی مرگ بی شرمانه و بدون هیچ مجوز و دلیلی اعلام داشت که به اصطلاح "خرابکاران" (او حتی نام) حق آن ها را هم ذکر کرد) سینما را با بمب آتش زا خراب کردن و رگ کردن بعد درهای سینما را برای جلوگیری از فرار جمعیت تماشاگر از پشت قفل کرده اند. او وخبرگزاری ساواک پارس با نشست ... و بوسیله دسته جنایتکاری است را در برابر مردم بازگرداند. یک بار "خرابکاران" را داخل قفل کردن درهای سینما معرفی کردند، بار دیگر سرایه از سینما را مسئول بستن ... و خروجی نامیدند. موجرا سینما رکس گناه را به گردن مدیر سینما انداختند. یک بار ادعا کردند که "خرابکاران" سینما بنزین سینما را به آتش کشیده اند. بعد با انگیزه مربوط با ... آتش زا به درهای سینما اعلام داشتند. یک روز بعد مدعی شدند که با ناشناسی با بمب آتش زا مسئول قتل عام مردم در سینما هستند و باز به مصداق ضرب المثل "دروغگو کم حافظه می شود" این اتهام را هم از هیچ و بی منکر شدند و با بررسی نخست وزیری پس از چند روز تظاهر به تحقیق و بررسی انگشت اتهام را به جانب سایه های ناشناس و مجهول گرفتند و اکنون اعلام داشتند قوطی حاوی مواد آتش زای "خرابکاران" (!) توسط کارشناسان یافته شده است.

در همه این احوال حقیقت چون آفتاب از لابلای این هرزه درایی های به تحلیل و سیع گرفته می شود و نقش آن ها می یابد می درخشد. ده ها هزار تظاهرکننده خشمگین پس از آبادانی در خیابان ها و در صحن گورستانی که بیش از ۴۲۰ قربانی است بود و حتی را به کام کشید، از ته دل فریاد می زدند:

«شاه باید بمیرد... شاه باید بمیرد...»

و در این شعار و شعارهای افشاگر مشابه به ریشه رژیم و دروغ ها و تبلیغاتش بی آبروی او تف می انداختند.

پیش از آن که به دلایل چرک های متعدد و انکار ناپذیر مردم و دلایلی که ... همه کسی شرکت مستقیم رژیم را در جنایت جنون آمیز آبادان ثابت می کند به هر سپهای در این زمینه پایان می دهیم بپردازیم، ضروری است به دلایل شکست و رسوایی سریع توطئه رژیم و نتایج احتمالی این افتضاح بزرگ جنایی و سیاسی بپردازیم.

رژیم شاه مانند همیشه در طرح هایی ... های عوامفریبی و پلید جنایت های برای توجیه کردن ... خود دادن حقیقت و به بازی گرفتن واقعیات، مردم را دست کم گرفته بود. این بار فقط با بهره برداری از زمینه سازی هایی که عوامل خرابکار ساواک با حمله به مسجد، به آتش کشیدن و ویران کردن فروشگاه ها، اتوبوس ها، کیوسک های تلفن و غیره فراهم آورده اند و در شرایط مطلوبی که خروش همگانی و عصیان یاره ای افشار مرده بورژوازی برخی هایی از جنبش ضد دیکتاتوری را از تشکل سازمانی و ضربه زدن به آماج های اصلی رژیم نظیر ساواک و دربار و حزب ورشکسته رستاخیز به سوی هدف های فرعی می کشید، کسی را به اجرای این قتل عام وحشیانه در آبادان وادار کرد. بی اهمیت و حتی منجر به حال جنبش منحرف گرده و مجلس از آزار زندانیان سیاسی توده ها را در شکستن شیشه ها و حمله به ساختمان ها و بویژه ساختمان ها و سینماها به هرز کشانده است می توان جنایت سینما رکس آبادان را به پای تبلیغات و جار و جنجال کاذب به حساب مخالفان نوشت.

اصولاً تحریکات ساواک و عوامل ولتی و نظامی در دامن زدن به بسته آنارشیسم چنان گسترده ای که شیشه شکستن و یورش های بی هدف را از صورت یک "وسیله" زیان بخش به صورت "هدف" جلوه داده و انعکاس بی دروغ این ماجراجویی ها و کاری ها، که هرناسی هم مبارزه سیاسی می توان بر آن نهاد - در روزنامه های زیر سانسور و دولتی به رگبار شعارهای مختلف، یکی از هدف هایش هم زمینه سازی و تدارک لازم برای فرود آوردن ضربه مهلک نهایی نظیر جنایت آبادان و نظایر آن بود. اما چه شد که نقشه های رژیم نقش بر آب از آب درآمد و داغ ننگ جنایت بلافاصله بر پیشانی آن نقش بست؟!

منفرد شدن بیش از پیش رژیم شکست همه برنامه ها و ترفند های اصلاحی شاه و دولت "آشتی ملی" بیش از حد تشدید تضادها و تناقضات درون حکومت، قطع شدن و ناتوانی حکومت کنندگان به ادامه وضع سابق و قبول مردم برای ادامه شیوه های حکومتی گذشته، افشای وسیع پیوندهای استعمار و همه جانبه رژیم استبدادی با امپریالیسم به پایان رسیدن آخرین ذره های حیاتی حکومت و دلایل و عوامل دیگری که رژیم آن ها را کشته و مردم سراسر شهرها و روستاها و فشار و تحمیل انواع خشونت ها و تضییقات به آن ها، آن چنان فاصله ای بین مردم و رژیم فاسد شاه به وجود آورده که دیگر پرکردن نیست. شکاف رخ داده حکومت کنندگان و حکومت شوندگان سوءظن و کین و نفرت و دشمنی است. در این فضا دیگر پرده های تبلیغاتی دروغ های شاه ارتجاعانه وعده هایش بی حاصل سرکوب و جز افزودن به بیزاری مردم ثمری به بار نمی آورد.

وانگهی رژیم در شیطنت های ضد انسانی گذشته خود در مقابله با مسلمانان نظیر حمله چماق داران و شاه پرستان او به اجتماعات و تظاهرات مسالمت آمیز مردم و کانون های مراکز ملی و فرهنگی، به آتش کشیدن در خانه و محل کار مبارزان و شخصیت های ملی وطن پرست، که مردم رژیم تروریسم دولتی به اشکال مختلف دست خود را پیشاپیش بازکرده بود و نشان داده بود در دشمنی با مردم و مخالفانش تا چه مرزهای خونبار و جنون آمیزی می تواند پیش برود.

وقتی جنایت آبادان اتفاق افتاد همه نگاه ها به جست و جوی دست های پرداختند که امید داشت ازچنین فاجعه ای سود برد و خیلی زود جنایتکار واقعی در شعارهای ده ها هزار سوگوار در آبادان، در تظاهرات اعتراض وحشتبار گسترده هزاران دانشجوی ایرانی در لندن و لاهه ... در تظاهرات پرخشم ده ها شهر میهن در مساجد و در اطلاعیه افشاگر حزب توده ایران و دیگر نیروهای وطن پرست و ملی مبارز معرفی شد. شاه که سنگینی جنایت و کمش زوال شده بیش از ۴۲۰ شهید تازه چیزی بر گرده اش می تواند، حیلی رو قاتلیه را با بحث ولیه تیغ دسیسه به جانب خود برگشت. در این افشاگری رسواکردن شبه کاروانی، هشدار نیروهای ملی و عکس العمل سریع آن ها نقش پرحاصلی داشت. این تجربه ای است که در آینده باید بر آن تکیه کرد و از آن بهره گرفت.

اینک مبارز رسوایی شاه و دژخیمانش که خشم و نفرت عمومی را علیه او برانگیخت، حادثه شوم آبادان وارد سومین مرحله خود می شود. این حساس ترین لحظات تراژدی خونین آبادان است که هشیاری و بیداری همه نیروهای ملی و دموکراتیک و ضد سلطنت مطلقه را می طلبد.

نخستین احتمال این است که شاه با زندانی کردن چند مهره خود بکوشد تا باز تقصیر را به گردن دیگران بیندازد. این عکس العمل ها شکل گونه گون می تواند ظاهر شود:

۱- تصویر ولین: این رویه احتمالی به خاطر آنست که آتش بسیج احساسات بر آشفته خلق پاشیده شود، نظرها از موضوع ها منحرف گردد و پیمانی به دژخیم تاجدار شد و او از مسئولیت جنایت مبری معرفی گردد.

۲- بازداشت چند مهره نظیر رئیس شهربانی آبادان، ریاست آتش نشانی یا مسئولان اداره و شکستن به اصطلاح کاسه کوزه ها بر سر آن ها.

۳- دامن زدن به شایعات مربوط به تصویر و تحولات جدید تا باز موضوع فاجعه را تحت الشعاع قرار دهد.

اکنون در پرسه اعلام یک وضع فوق العاده، برقراری حکومت نظامی در شهرهای به هیجان آمده و سلب دیگر بند های وسیع مخالفان به گرفتن شیوه های سرکوب و خشونت بیشتر قابل پیش بینی است. عناصر چنین احتمالی هم اکنون با برقراری حکومت نظامی غیر رسمی در آبادان، به گلوله بستن تظاهرکنندگان خشمگین و سوگوار این شهر، استقرار بی سابقه واحد های تانک و زره پوش و حتی گسیل نیروهای ارتش در میدان بزرگی امید به حمله به مسجد قبا، مسجد امام حسین و دیگر مساجد که مرکز افشاگری شیطنت های رژیم است، تعطیل این مساجد و بازداشت گروه کثیری از وعاظ و گویندگان و مصلحین مذهبی مخالف رژیم مطرب چند روز اخیر به چشم می خورد.

وظیفه عاجل نیروهای ملی و دموکراتیک در این شرایط حساس آمادگی برای رویارویی با هر یک از اشکال عکس العمل های رژیم و خنثی کردن آنست. با افشاگری وسیع در داخل و خارج کشور قصد جنایتکارانه شاه را در قتل عام بیش از ۴۲۰ زن و مرد و کودک بی گناه برملا کنیم و این توطئه شکست خورده را به دشمنی که قلب رژیم منفور و منفرد شاه را نشانه گرفته مبدل سازیم. اتحاد عمل و همبستگی نیروهای ضد دیکتاتوری و دموکراتیک می تواند بر سعی و تلاش و مبارزه مشترک این نیروها در خنثی کردن دسیسه شاه و رسوایی در زمینه خلق های ایران مشکل بگیرد، نکوهی باشد و استحکام پذیرد. این ضرورتی است که وحدت ملی و منافع حیاتی میهن در این دقایق تاریخ ساز خطاب به ما فریاد می کند....

درود به کارگران پیکارجوی چیت بهشهر

اعتصاب شورانگیز و متحد جهانه کارگران چیت سازی بهشهر پس از ۱۲ روز هنوز پایان یافته. بازرسان شاهنشاهی و نمایندگان وزارت کار که از ادامه اعتصاب و گسترش احتمالی آن به دیگر واحدهای کارگری در شرایطی که رژیم از هر سو تحت فشار مبارزه جویانه مردم قرار دارد، به وحشت افتاده بودند، به کارگران تعهد سپردند که در ظرف ده روز کلیه خواسته های آن ها را برآورده سازند. کارگران اعلام کردند که اگر در ظرف این مدت کلیه خواسته هایشان برآورده نشود مبارزه اعتصابی خود را از سر خواهند گرفت.

کارگران پیکارجوی چیت سازی بهشهر در طول ۱۲ روز مبارزه پیگیر اعتصابی خود تمام حیله های کارگزاران رژیم را که می خواستند در اراده کارگران بیدار این مبارزه حق طلبانه خلل وارد آورند، خنثی ساختند و اعتصاب شکنان و عمال ساواک را از صفوف خود بیرون راندند.

اعتصاب مکتب نبرد طبقاتی است و کارگران چیت سازی بهشهر در جریان اعتصاب بر خود ضرورت داشتن یک سند یگانه مستقل را که واقعاً نماینده و منعکس کننده منافع کارگران و هنگام مبارزات صنفی آنان باشد با تمام وجود خود احساس کردند. یکی از کارگران می گفت اگر در هر کارخانه یک سند یگانه واقعی و مستقل داشتیم و اگر این سند یگانه ها در اتحاد به کارگران کارخانه های پیشرو می پیوستند کی می توانست مقاومت کند. ما تنها نبودیم و کارگران دیگر کارخانه ها نیز می خواستند به صورت از خواست ها و مبارزات ما آگاه شوند و به حمایت فعال از ما برخیزند. بدون چنین حرکتی نمی توانستیم متحد و یکپارچه سرمایه داران غارتگر را به خاک بیندازیم.

جنبش ها و مسائل کارگری

کارگران مینو دسایس رژیم را محکوم می کنند

وعده هایی که کارفرمای غارتگر برای پایان دادن به اعتصاب یکپارچه دهها هزار کارگر گروه خودرو سازی مینو داده بود، همان طور که انتظار می رفت بعد از یک روز از آب در آمد و کارگران که هیچ یک از خواست هایشان برآورده نشد، بیکار شدند و بیکار دیگر دورنگی و تزویر کارفرما و گردانندگان چپاول کارخانه را به قیمت محروم ماندن زن و فرزندشان از ابتدایی ترین احتیاجات زندگی با گرسنگی و بیسوادی خود احساس می کنند.

گزارش هایی که از درون این کارخانه به ما رسیده حکی از حقایقی از نوع گروی نارضایی کارگران و تلاش آن ها برای تدوین مطالبات های عظیم و نفرت طبقاتی خود به یک مشت نزدیکتر و واحد که باید بر دهان کارفرما و گردانندگان باند نیز صحیحاً معترضند. کارگران درباره حقوق ناچیزشان می گویند: اضافه حقوق های پرداختی هیچ دردی از زندگی به بیمار رفته ما دوا نمی کند. آنچه به عنوان مزد و حقوق به ما پرداخت می کنند در مقابل نیروی کاری که از ما چپاول می کنند و هزینه های کمر شکنی زندگی واقعاً ناچیز است.

اگر حق مسکن و حق اولاد یکسالیان را جمع کنیم با مجموع این پول حتی نمی توانیم اجاره یک خانه اتاقی را که دریکی از دورافتاده ترین محلات تهران اجاره کرده ایم بپردازیم. ما آگاهی از این حقیقت انکارناپذیر که هر کارخانه سنگسازی کارگرانی است که سر آن کار می کنند دست استثمارشان را مستقیم تر از گذشته می فشاریم و از درون این مهم ترین سنگر واقعی انقلاب و ضربه به دوش صدها هزار کارگر زحمتکش شاه و دیگر سخنگویان رژیم مدعی هستند که گویا دولت به نمایندگی از جانب کارگران و به دست سازمان هایی که تحت نظر ساواک بوجود آورده، حقوق صنفی کارگران را تأمین می کند. تجربه نشان داد که شاه و رژیم استبدادی او خود بزرگترین عامل غارت کارگران و منکر حقوق آنانست. تأمین حقوق صنفی کارگران بدون ایجاد سند یگانه و اتحاد به های واقعی مستقل کارگری ممکن نیست. هیچکدام از این سند یگانه ها به شکل دموکراتیک بدون دخالت دولت و کار فرما از طرف کارگران انتخاب نشده. هم اکنون کارگران می گویند در برخی سند یگانه ها عامل دولت و کارفرمایان را از آن امر طرد کنند. این در درود به کارگران پیکارجوی چیت سازی بهشهر در طول ۱۲ روز مبارزه پیگیر اعتصابی خود تمام حیله های کارگزاران رژیم را که می خواستند در اراده کارگران بیدار این مبارزه حق طلبانه خلل وارد آورند، خنثی ساختند و اعتصاب شکنان و عمال ساواک را از صفوف خود بیرون راندند.

مبرم ترین خواسته های کارگران ایران

در شرایط کنونی کارگران ایران مبرم ترین مطالبات صنفی خود را به شکل زیر بیان می کنند:

حل مسئله مسکن برای کارگران، محدود ساختن روزکار در سراسر کشور به هشت ساعت در روز و چهل ساعت در هفته، لغو کار کودکان کمتر از ۱۴ سال، جلوگیری از واگذاری کارهای شاق به زنان، اجرای اصل دستمزد مساوی در برابر کار مساوی، تعیین حداقل دستمزد برپایه هزینه های لازم مادی و معنوی خانواده های کارگری برمبنای تعطیلات هفتگی و مرخصی سالانه برای همه کارگران، جلوگیری از اضافه کار در کارخانه و کارگاه تحت هر عنوان، واداکردن دولت و کارفرمایان به رعایت اکید بهداشت و ایمنی کار، فعال ساختن قانون کار و بیمه بر کلیه کارخانه ها و کارگاه ها اعم از بزرگ و کوچک و در مورد همه کارگران اعم از کارگران کارگاه های صنعتی، پیشه وری و یا کارگران حمل و نقل و کشاورزی، واداشتن دولت و کارفرمایان به رعایت اکید قوانین کار و بیمه های اجتماعی و تجدید نظر در این قوانین با شرکت خود کارگران به سود آنان، تأمین غذا برای کارگران بر سازمان هایی که موظف به تهیه غذا برای عامه هستند و بایستی از دستمزد آنها ایجاد شده، (مانند سازمان بیمه های اجتماعی، سازمان فرهنگی و مسکن و امثال آنها) و غیره و غیره.

مبارزه ای است به حق که سرانجام باید گسترش یابد. باید جنبش اصل سند یگانه و اتحاد به ای در ایران از ابتدا این مبارزه تحقق پذیرد. این است آن افزار واقعی برای مبارزات خیز صنفی که تا امروز طبقه کارگر ایران از آن محروم است.

ولی کارگران و زحمتکشان ایران که طبقه پیشرو جامعه هستند، با آرمان اجتماعی و سوابق طولانی انقلابی مخلد به مبارزات صنفی و سند یگانه بسنده نمی کنند. کارگران و زحمتکشان خوب درک می کنند که به دیدمبارزه سیاسی گرداندن رژیم ضد ملی و استبدادی محمد رضا شاه مبارزه صنفی و سند یگانه آن ها نمی تواند به هدف برسد. به علاوه طبقه کارگر که پیشروترین طبقه جامعه ایران است به رسالت و مأموریت تاریخی دارد که در پیشاپیش نبرد ملی خلق های ایران برای مبارزه آشتی ناپذیر و بی امان با دیکتاتوری گام بردارد. زیرا برای داشتن رژیم ضد ملی و استبدادی شاه، شرط مقدم هرگونه پیشرفت جامعه به پیش است. زیرا این رژیم حربه مهم غارت و استثمار وسیع از طرف سرمایه داران داخلی و خارجی است.

از بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت روز اول شاه مه

اعلام جرم مردم ایران علیه رژیم جنایتکار شاه

۳ـ چرا اتومبیل های آتش نشانی شهرداری و نیز اتومبیل های آتش نشانی شرکت نفت پس از آن که حریق سینما را رخ کشید و تماشاگران تمام را به وقایع بدل کرد به محل رسیدند. و تازه پس از این تأخیر متذکر که که در کنار یکدیگر حوادث سوء ظن نسبت به مسئولان و بنیادهای پشت پرده جنایت را بیشتر می کند. چرا اتومبیل های اطفای حریق وسایل لازم را نداشتند؟ چرا تمام شیرهای آب فاصله ۶۰ متری سینمای آتش زده شده، خراب بود؟

۴ـ در حالی که بیش از ۴۳۰ نفر در شعله های آتش در سوختند و یا می رفتند و بانگ فریادهای وحشت و هراس خود، تمام خیابان های اطراف را به لرزه در آورده بودند، شهربانی که تشکیلاتی چهل ساله دارد به خواب رفته بود؟ آیا این خود یک خواب عمدی نبود؟ تازه پس از آن که رهگذران و نجات یافتگان، جریان حریق را شرح دادند شهربانی به ظاهر می خبر رسانده شد. چرا مأموران شهربانی به جای عکسبرداری در و نجات محاصره شدگان آتش سینما را محاصره کردند و ساعت ها از زندگی شدن جمعیت بی تاب و هراسان که شعله کشیده حریق زدگان را داشتند جلوگیری کردند. در حالی که خود نیز کمترین تلاشی در این راه به خرج نداده اند؟

۵ـ به گفته شاهدان عینی و اکثر نجات یافتگان پس از آن که سی چهل نفر از شاهدان حریق زده خود را از پنجره رهانیدند، در کوچه که به روی آن خیابان بود به وسیله دسته های ناشناسی دربسته شد. این در حالی بود که مأموران پلیس سینما را در محاصره داشتند و این ادعا که عکس است "خرابکاران" در بازشده را بسته باشند بنا حضور آن همه پلیس مسلح به خودی خود منتفی است.

۶ـ شاهدان که از نجات یافتگان بودند حتی گفته اند که پلیس بدان خاطر در خارج سینما را محاصره کرد که نمی رود "خرابکاران" که موجب حریق شده اند، در داخل سینما هستند و باید دستگیر شوند. آیا در صورت صحت این ادعای رذیلانه که به مثابه طرد شر از گناه است نباید برای دستگیری چند "خرابکار" تشکیلی، حتی بیش از ۴۳۰ نفر بی وجود که بی گناه را بسوزاندند آورد؟ چرا به جای دستگیری این "خرابکاران" تشکیلی پلیس تمام بیست و سه درهای سینما بسته شد که نتوانند از آن راه فرار کنند؟

۷ـ شاهدان عینی گفته اند، پلیس به جای نجات قربانیان، با فشار آن عنکبوت بدهان مردی افتاد که بابی قراری در صدد شکستن در برای باز ماندن به درون سینما و نجات محاصره شدگان آتش بودند.

۸ـ در گزارش های دولت در پیرامون جنایات صدی آباد آن آمده است که دو نفر پیش از این فاجعه "خرابکاران" قصد آتش زدن سینما رکس را داشتند. آیا با این سابقه قابل قبول است که در شب حادثه حتی یک مأمور پلیس در محل سینما حاضر نباشد؟

۹ـ چرا پیش از شروع تحقیقات برای یافتن علل حریق دو روز کارشناسان آتش سوزی در شناخت چگونگی حادثه، پلیس و مسئولان گزاری پارس و سخنگو دولت اعلام داشتند که حریق عمدی بوده و عامل آن به اصطلاح "خرابکاران" وسائلشان هستند. این شتاب فوق العاده و بی مدرک و منطق آیا حاکی از وجود یک نقشه از پیش تدوین شده و پیش توطئه حساب شده نیست؟

۱۰ـ در حالی که در سینما رکس ۶ کپسول ضد حریق وجود داشت، چرا این کپسول ها مورد استفاده قرار نگرفت. آیا نیست عجیب تمام مسئولان و کارکنان سینما در لحظه حریق با لزوم جنایتکارانه عدم استفاده از این کپسول ها رابطه است؟

جعفر سازش مدیری که به فرزند خود را در جریان گفتار سینما رکس آبادان از دست داده به صدا آتا دادن و حتی خطاب به سرلشکر ملک پور رئیس هیات اعزامی نخست وزیر گفته است:

ـ مأموران بلافاصله پس از شروع حریق درهای سینما را بستند. من و ده ها به رو مادر و خواهر و برادر و مطرب الفاس کنار از آن ها خواستیم به ما اجازه دهند به کمک عزیزان خود بشتابیم. اما مأموران پلیس شهربانی که سینما را محاصره کرده بودند به ما گفتند: "ما اجازه نداریم هیچ کس در سینما را باز کند".

جعفر سازش با رجا بیشتر و افشاء می تأکید کرده است که یک افسر شهربانی به من گفته است مزاحم مأموران نشو. آن ها به وظیفه خود عمل می کنند.

من فریاد زدم:

ـ بچه هایم دارند جز فاله می شوند.

افسر پلیس با خونسردی گفت:

ـ بچه های دیگرهم همین طور.

رسول رحمانا گفته است که همسر و فرزند خود را در فاجعه حریق صدی آبادان از دست داده، گفته است:

ـ من با فرزندم در نتیجه فیلم از سالن خارج شد بود. فرزند بسی تابی می کرد. آتش که شروع شد از میان از تمام وحشت یک گوید از فرار کنندگان و به زور آن ها از در خروجی سینما بیرون رانده شدم. من می فریاد می زدم، التماس می کردم که بگذارید به کمک همسر و فرزند بروم اما یک پاسبان فریاد زد: "دیر آمدند تا "خرابکارها" فرار نکنند". و نمی دانم چه کسی در رابطه سرمایه دیگر مردم در سینما ماندند.

رسول رحمانا گفته است که بازرسان نخست وزیر به حرف های او توجهی نکرده اند. او گفته دهها نفر که در محل حاضر بودند، حرف های مرا تائید می کنند. اما بازرس نخست وزیر به من تشر زد که زیادی حرف نزنم. من دانستم. چطور می توانم حقیقت را بگویم؟

این نمونه مشتی از خروار است. خطوط اصلی اظهارات همه شهود فاجعه در پیرامون همین گفتار دور می زند. این گفتار را نمی توان دفن کرد. خبرنگاران نیز به خاطر مصون داشتن شاهد آنی که اظهارات آنها پرده های جنایت شاهانه را بالا می زند، از فضای نام آن ها خودداری می کنند. اما این برگ های زرد و اندکار باید سر جنایت در اختیار مراجع جهانی و شخصیت های حقوقی و نمایندگان تمام سازمان های ذیصلاح که خواستار رسیدگی به این جنایت بی عرضانه و صحیح باشند، گذاشته خواهد شد.

پرولتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه سلاحی جز سازماندهی ندارد» لنین

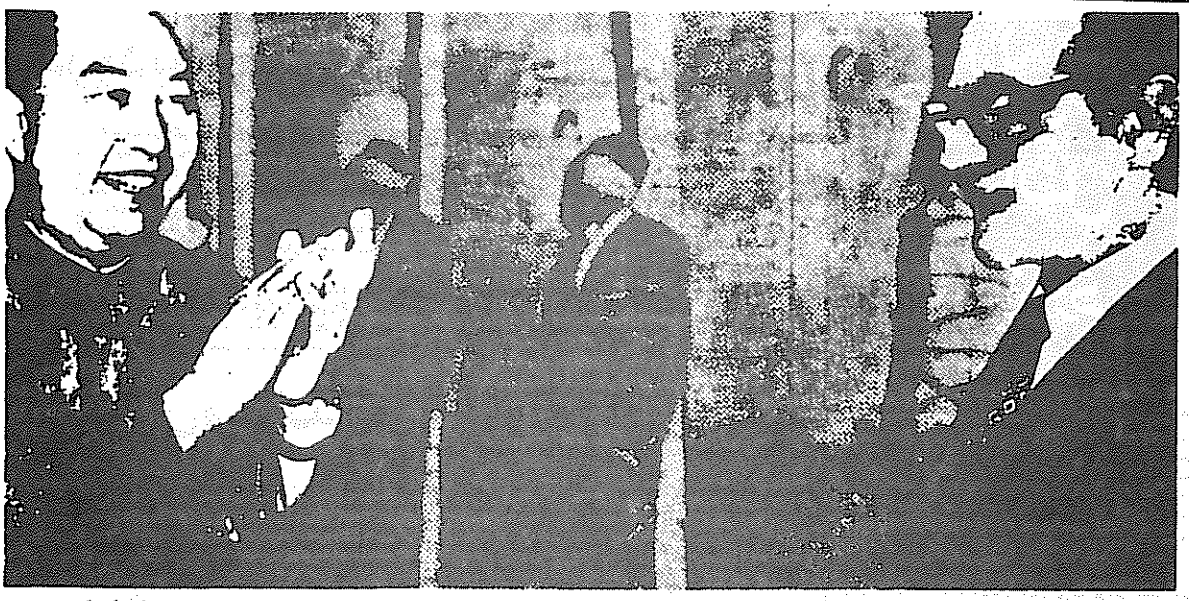

مردم ایران سفر توطئه‌گرانهٔ رهبر مائوئیست‌های چین را به ایران محکوم می‌کنند

مائوئیست چین سیاستش به حد افراطی ماجراجویانه، مخالف صلح، مخالف جنبش‌های مترقی و به سود امپریالیسم است. علیه اقتصاد درس‌های عبرت انگیز تاریخ، اطمینان داریم که حساب حسابی مائوئیستی رهبران چین نیز طی شد. مبارزات مردم خواهد شد و خلق چین انقلابی را که بدان خیانت شده از چنگال غاصبان آن باز پس خواهد داد. خلق‌های جهان، مبارزه‌ی دوست چین امروز را می‌دانند. اما طبقه سیاسی سیطره جویانهٔ آن می‌خواهند جنبش‌های را فرو بکوبند.

مسافرت هوا کیونگ به ایران در شرایطی انجام می‌گیرد که سنجیده‌ترین محافل امپریالیسم آمریکا سعی دارند بیکار بسته سیاست جنگ سرد بازگردند. چین در این جریان به مثابه متحد آشکار این محافل عمل می‌کند و همراه با امپریالیسم آمریکا علناً علیه امت خود را با صلح و همزیستی و صلح سلاح اعلام می‌دارد. در دیدار هوا کوفنگ و شاه پیروی زمینه‌های مشترکی انجام می‌گیرد که مهم‌ترین آنها مشی با اتحاد شوروی و دشمنی با خلق‌های ایران و افغانستان برای مردم بندی اختلاف‌های ارتجاعی در منطقه علیه خلق عمان منطقه و علیه خلق‌های آفریقاست. رهبری چین مانند شاه از جنبش فزاینده و سرفرازان مردم ایران علیه دیکتاتوری نگران است زیرا رژیم ارتجاعی و مستبدانه شاه، مانند رژیم پینوشه و پینوچت و نمیری و امثال آنها سرای رهبری چین رژیم مطلوبی است. رهبری مائوئیست چین مانند امپریالیسم آنها به خود وعده می‌دهد که می‌تواند از دیدار طرفین رژیم ایران باز عایلات سرداد ایران این رژیم سرای مقاصد ضد نیروی ضد صلح و ضد آزادی استفاده کند و لیاقتم نیرو خواهد توشید این نقشه خود را عملی سازد.

زمانی بود که مردم ایران با خلق فرازان به انقلاب بزرگ مشترک چین به حق قهرمانی گشتند. مردم ایران به خلق چین به مثابه یکی از خلق‌های کهن، یکی از سازندگان بزرگ تمدن انسانی احترام می‌گذارند. در چنین حال تجارب سیاسی مردم ایران و دیگر آن‌ها را بصیرکرده و آنان بازی‌های شوم و بد و طراحی مخالفانه سیاستمداران امروزی چین را می‌بینند.

مردم ایران بند بیست ارتجاعی یکی - دیگران را محکوم می‌کند.

بند بیست شاه - هوا کوفنگ کوچک‌ترین بشردوستانه خلقی ندارد.

باید چهره کریه سیاستمدار رجی مائوئیستی را چنان که هست به همه مردم توضیح داد و دشمن ضد بشر را که واقعیات بدون تردید روزبه ماهیت ضد انقلابی امپریالیستی می‌کند به همه شناساند. وقتی دشمن شناخته شد و مبارزه بر ضد وی آغاز گردید، آنگاه وی قادر نخواهد بود خیانت‌کاری خود را با استفاده از تظاهر و مسالمت وارد سازد.

حزب توده ایران از همان آغاز که مائوئیسم در زیر ساتر مارکسیسم - لنینیسم قدم در میدان دشمنی با اتحاد شوروی و جنبش انقلابی جهانی گذاشت مبارزه با سیاست و استراتژی پیچیده این روش مزورانه و خیانت‌آمیز را مانع گردید و مائوئیست‌ها را بر ملا ساخت. حزب ما همه خویش می‌داند که کوبیدن ضد شوروی وجود ندارد دشمن با دشمنی و سرسخت‌ترین کانون رویزیونیستی جهان غلط می‌تواند بر اساس مقاصد نابهنگام طلبکارانه و سیطره جویانه انجام گیرد و در آخرین تحلیل به ضد ارتجاع و امپریالیسم در آید. حوادث صحنه استنباط و شعار حزب ما را به نحو انکارناپذیری نشان داد. امروز کمتر کسی است که دارای اندیشه‌های مترقی صادقانه‌ای باشد و به مواضع‌های مائوئیستی چیرگی حساب‌دار و خیانت‌شکسته است بیاورد.

حزب ما اعتقاد راسخ دارد که زمانی نزدیکی مائوئیسم که بیانیه حدت و تقلب و حسابگری‌های موذیانه وشد گرایانه مبتنی است، به دست خلق چین خاتمه خواهد یافت. ولی تا آن زمان که این سیاست نه ارائه به توطئه بر ضد صلح و امنیت خلق‌ها و از آنجمله مردم کشور ما محسوس است، ما آن‌ها را بر ملا و با آن مبارزه خواهیم کرد و به ایرانیانی که هنوز در دام تزویر مائوئیستی باقی هستند، هشدار می‌دهیم تا با شناخت واقعیات جهان، راه راز چاه و دوست را از دشمن تشخیص دهند.

مردم ایران که به مبارزهٔ دلاورانه و جانبازانه علیه رژیم ضد خلقی و ضد ملی سلطنت مطلقه شاه مصمم‌اند، سفر عجولانه گرانه هوا کوفنگ رهبر مائوئیست‌های چین را به میهن عزیز و خویش خود به شدت محکوم می‌کند و اعلام می‌دارند که هرگز دسیسه جلادان و خائنان جنبش انقلابی خلق‌های جهان را نخواهند نشد و دوستان و دشمنان خویش را خواهند شناخت خواهند داشت.

با ما تماس بگیرید!

حزب توده ایران از همه هواداران حزب در ایران دعوت می‌کند، بگویند براساس رهنمودهای سازمانی، آگهی انقلابی توده‌ای به مرکز تهیه مراکز حزب تماس بگیرند. سازمان‌ها و تشکل و رابطه مستقیم با مرکز حزب را به همه هواداران حزب توصیه می‌کنیم. به آن ما اطمینان می‌دهیم که حزب ما با دقت به نظر همه مانیفست در شیوهٔ کارسازمانی خود و رابطه آن با شرایط اختناق سازمانی، امنیت چنین تماس را ما آمادگی به مرکز حزب برقرار می‌شود مشخص می‌کند. برقراری چنین رابطه‌ای به دقت بیشتر حزب در شناسایی سراسر کشور و کمک به خلق می‌کند و امکان می‌دهد که دیدگاه سیاست حزب مقدور رشد وسیع‌تری به عمل آید و طرح‌های آگهی ما و سازمان‌های مبارزه‌جویی به حساب آورده شود.

برای برقراری تماس مستقیم با ما یکی از راه‌های ضد دوست مورد اطمینان شما از ارسال طریق یک نشانی پستی بدون ذکر نام و نشانی خود به شماره‌های ۷۹۳۳۴۹۹ ۷۹ ۰ ۲۳ در پایین نشان کد رنگ‌های بایر Bayer را بنویسید. آن دوستان شماره نشانی را با آن می‌خواهند با مرکز حزب تماس می‌گیرند به شما خواهند داد. نه در نشان اول و نه در نشان دوم نام واقعی و نشانی خود را نگوئید. خود را به نام مستعار معرفی کنید و به راهنمایی‌هایی که به شما خواهند شد دقیقاً توجه کنید.

در اینجا لازم است به همه هواداران حزب در ایران یاد آوری کنیم. از دام‌هایی که سازمان می‌گسترد، حذر کنید و همواره به این نکته توجه داشته باشید که گرفتن پیام از مرکز حزب و داشتن رابطهٔ گرفتن نشریات از مرکز حزب هیچ گونه امکانی برای سلامت سیاسی افراد در ایران نیست. بنابراین اعتماد خود را به سلامت سیاسی افراد تنها بر پایه تجربه انقلابی خود از آن‌ها و شناخت همه جانبه آن‌ها و برپایی مبنای سیاسی دیگری یا بدار آنها در مبارزهٔ انقلابی قرار دهید.

ما در راه خلق حرکت می‌کنیم. هدف ما نیز خلق است. راه ما درست است. ما سرانجام پیروز خواهیم شد.

شاه ارتش را برای سرکوب وسیع‌تر مردم آماده می‌کند

هفته گذشته طی بخشنامهٔ محرمانه‌ای که به کلیه واحدهای نیرو و پادگان‌های زمینی، هوایی، شهربانی و ژاندارمری ابلاغ شد دستورات جدیدی برای تدارک و آمادگی به منظور سرکوب هرگونه تظاهرات و بسیج آحاد خلقی داده شده است. بنابر این بخشنامهٔ محرمانه که بسی شبیه دستور رشد و آن شاه علاوه است کلیه این نیروها از نیروهای مسلح و نیروهای صلح لغو شده و به حال آماده باش به سر می‌برند، کلیه دستور داده شده که در درگ خود را به نزدیک‌ترین واحد نظامی محل اقامت موقت یا دائمی خود معرفی کنند.

همزمان با صدور این بخشنامهٔ محرمانه، عده ارتش وسیعی بسته منظور آمادگی برای سرکوب نیروی وظیفه تظاهرات سیاسی مردم علیه رژیم خائن خارج وطن فروشان، در شهرهای بزرگ و به ویژه تهران، انجام گرفته است. از هفته دو اخیر هفته گذشته طی انتقال نظامی وسیعی به استان دوم احمد به تهران انجام گرفته و اسلحه‌های سنگین به یک باد گاروزی موقت تبدیل شده است. به قرار اطلاع شماره تعداد قابل توجهی تانک، نیروی زمینی، ناچار به از مسلسل سنگین از "گارد شاهنشاهی" به استان دوم احمد به انتقال داده‌اند. اسلحه که در قلب تهران قرار دارد به دو دلیل به مرکز موقت استقرار نیروهای مرکزی گارد شاهنشاهی تبدیل شده است: یکی از آن جهت که از آنجا به سرعت می‌توان به منطقهٔ شهرستان در هم شکستن تظاهرات مردم و کشتار آزادیخواهان و مبارزان ضد استبداد در نیروهای دوم سرای محافظت از سفارت آمریکا، این مرکز توطئه‌های امپریالیستی که می‌تواند به طوری از آماج‌های احتمالی مردم به منابع مطبوعات اشاره‌ای چنین‌های ضد مردمی مبارزانه و ضد انقلابی و مشهور گردد. سال امپریالیستی ۲۵ مرداد مورد حمله خشمگین مردم قرار گیرد.

گزارش‌های دیگری که به دست ما رسیده حاکی است که چند واحد تازه ارتشی در شهرستان‌های مختلف، دارای و گلپایگان مستقر شده‌اند. این نیروها که پس از ورود به شهرستان‌های مختلف

اعزام شهرهای وصال سازمان قرارگیری گرفته، در اطراف مساجد و نقاط مهم شهر موضع گرفته‌اند. همچنین خبر می‌رسد که شاه از احتمال پیوستن بخش‌های مهمی از ارتش به صف مبارزان خلق به وحشت‌زده افتاده و مناسبت دستور زیر داخت نیروی هرنوع وجود ظلم اعتراض سربازان، درجه داران و افسران جزء را صادر کرده است.

اما آنچه چنین اگر امانت مذبوحانه‌ای می‌تواند ارتشیان شریف میهن پرست را در صف دشمنان مردم نگ دارد؟ در حالی که مردم به هنگام پیروزی با تانک‌ها و سلسل‌های ضد اتحاد خود را به سوی فرزندان ارتشی خود دراز می‌کنند و شعارهای "سرباز توازیم، عرباده اند جلاد است" و "ارتشیان بدانید، شاه شما جلاد است" از آن هایی خواهند که به صفوف مبارزان راه آزادی و استقلال میهن بپیوندند. آیا ارتشیان می‌توانند همچنان پاسخ این دست‌ها را با گلوله سر بدهند و در جنایت‌ها و خیانت‌های رژیم شاه شریک باشند؟

متحد شویم و رژیم استبدادی شاه را سرنگون کنیم!